

نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی (مطالعه موردی: بخش خشکبیجار شهرستان رشت)

عیسی پوررمضان^۱، زینب اسدی^۲

۱- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران

pourramzan@iaurasht.ac.ir

چکیده

مدیریت روستایی به عنوان یک عامل بسیار مهم در توسعه روستاها و بر پایه مدیریت محلی استوار باشد و از ارکان اصلی حل مسائل و مشکلات روستایی به شمار می‌آید. امروزه یکی از راهبردهای مؤثر در توسعه همه جانبه و پایدار نواحی روستایی، نقش مدیران محلی در جریان توسعه روستایی است بنابراین مدیران جدید (شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها) به عنوان یک نهاد مردمی که مدیریت روستاها را بر عهده دارند، می‌توانند با سیاست‌گذاری و اجرای صحیح مدیریت و برنامه‌های توسعه روستایی در قالب هدایت آنها برای استفاده از توانمندی‌ها، قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و مشارکت مردمان محلی راه رسیدن به توسعه پایدار روستایی را هموار نمایند. با توجه به اینکه زنان روستایی نقش کلیدی در امور مختلف بویژه تولیدات کشاورزی، صنایع روستایی و... دارند، در جریان توسعه روستایی حائز اهمیت هستند، و توانمندسازی آنان درکانون مفاهیم جدید توسعه و نقش آنها در ریشه کن کردن فقر و گرسنگی و پیشرفت در مناطق روستایی شناخته شده است. در این راستا، مقاله حاضر سعی دارد به بررسی نقش مدیران محلی (شورای اسلامی و دهیار) در توانمندسازی زنان روستایی در بخش خشکبیجار شهرستان رشت بپردازد. روش پژوهش حاضر بصورت توصیفی-تحلیلی است و تعداد نمونه‌ها با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر بدست آمده است. سپس بعد از طراحی پرسش‌نامه‌ای زنان روستایی بخش خشکبیجار بصورت تصادفی ساده/سیستماتیک مورد سنجش و آزمون قرار گرفتند. برای سنجش داده‌ها از آزمون‌های تحلیل همبستگی (اسپیرمن، کندال، کرامر) و مک‌نمار در محیط نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مدیران محلی با عملکردهای خود تأثیر قابل توجهی در زمینه‌های مختلف اعم از ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، تشویق زنان به فعالیت و مشارکت‌های اجتماعی و تقویت روحیه خلاقیت در زنان روستایی محدوده مورد مطالعه داشته‌اند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت محلی، توانمندسازی، زنان روستایی، بخش خشکبیجار، شهرستان رشت.

۱. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رشت، رشت، ایران

مدیریت منحصر به قرن حاضر نیست. انسان از دیرباز متوجه بوده که برای رسیدن به اهداف خود باید با بسیج و هدایت امکانات به سوی هدف گام بردارد. جوامع روستانشین ایران هم از گذشته‌های دور، همانند سایر جوامع انسانی، متناسب با اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی و سیاسی زمان خود، سلسله مراتب مدیریتی و نظام اجتماعی داشته‌اند (بدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۰). حوزه‌های روستایی به عنوان قاعده نظام سکونت و فعالیت ملی، نقش اساسی در توسعه ملی دارند، زیرا توسعه پایدار سرزمین وابسته به پایداری فضاهای روستایی در ابعاد مختلف است که می‌تواند نقش مؤثری در توسعه منطقه‌ای و ملی داشته باشد (شیخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸). در تحقیق حاضر، مدیریت روستایی معادل مدیریت محلی در نظر گرفته شده است و آن عبارت است از واحدی عمومی که با مجموعه اختیاراتی در قسمتی از خاک یک کشور، مانند استان و شهرستان، یا نواحی محدودتری، مانند بخش و دهستان، برای اداره امور محلی آن قسمت وجود می‌آید (بدری و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۵۰). یکی از راهبردهای مؤثر در توسعه همه جانبه و خود پایدار نواحی روستایی، استفاده از مشارکت و توانمندی‌های مردمی، بویژه روستاییان برای عمران و توسعه مناطق روستایی در تمام ابعاد آن است. مهمترین ابزار نیل به این مقصود تشکیل نهادهای سازمان دهی شده محلی و غیردولتی است. که بر اساس نیاز و توانایی گروه‌های مختلف ساکن روستا، در موضوعات متنوع و ضروری محیط بومی و محلی به منظور اجرای برنامه‌های توسعه‌ای روستاها ایجاد می‌گردد. در سال‌های اخیر شوراهای اسلامی و دهیاری‌ها به عنوان مدیریت جدید روستاها تعریف گردیده‌اند و دهیاران و شوراهای اسلامی به عنوان نهادهای مردمی و محلی که مدیریت روستاها را بر عهده دارند می‌توانند با سیاست گذاری، مدیریت و اجرای برنامه‌های مختلف آموزشی، توسعه زیرساخت‌های لازم، کمک به جذب منابع مالی و اموری از این دست در توسعه روستاها نقشی اساسی ایفا می‌کنند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۳). از این رو شوراهای اسلامی پل ارتباطی بین مردم و دولت هستند، نهادهای مدیریتی منسجمی که وظیفه دارند ساختار مدیریتی کشور را به سمت مردم سالارانه شدن سوق دهند. مشارکت مردم را در اداره امور و تصمیم گیری درباره مسائل مختلف مرتبط با محل زندگی خود آسان کنند. و در نهایت عاملی برای ارتقای سطح زندگی روستاییان باشند (احمدی پور و همکاران، ۱۳۸۸: ۳). اما از آنجا که شورا اساساً یک نهاد مشورتی و نظارتی است و بدون تشکیلات اجرایی ناقص است و نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد و برای امور نیازمند دهیاری و دهیار برای تمشیت امور نیازمند تصمیمات شورا است، قانون تاسیس دهیاری‌ها خودکفا در روستاهای کشور در سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید. این قانون برای تحقق اصل مدیریت واحد حدود وظایف و اختیارات هریک از این دو نهاد را مشخص کرده است. که هر کدام دارای وظایفی جداگانه و مهم در ارتباط با روستا، اهداف برنامه‌های توسعه پایدار روستایی و توانمندسازی اقشار محروم و فقیر محلی می‌باشند (جاجرمی و کریمی، ۱۳۸۴: ۹۴). واژه توانمندسازی در دهه ۱۹۹۰ و بیش تر رواج پیدا کرد. در سال‌های اخیر نیز، مفهوم توانمندسازی بخش جدایی ناپذیر سیاست‌های سازمان‌های غیر دولتی و توسعه برای حمایت از برنامه‌های توسعه روستایی مطرح گردیده است (چرمچیان لنگرودی و علی بیگی، ۱۳۹۲: ۱۶۶). مهم‌ترین محور آن کسب اعتماد به نفس، کسب انگیزه، آگاهی از توانایی‌های بالقوه (مطیعی لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۲). قدرت، کنترل و هدایت و تسلط بر نیروهای تأثیر گذار بر حیات انسانی است که می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد. در روند برنامه‌ریزی روستایی ایران، موضوع توانمندسازی می‌تواند به این شکل‌ها مطرح گردد: افزایش دانش و سواد، بقای نیروی باسواد در روستا و افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری (شاطریان و گنجی پور، ۱۳۸۹: ۱۳۷). اما با توجه به اینکه زنان قلب توسعه اجتماعی- اقتصادی جوامع روستایی می‌باشند (چرمچیان لنگرودی و علی بیگی، ۱۳۹۲: ۱۶۶). متأسفانه در برنامه‌های توسعه نقش زنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مهمتر از همه عدم اعتقاد برنامه‌ریزان به توانمندی‌های زنان و همچنین پایین بودن توانمندی‌های زنان، به خصوص زنان روستایی میزان مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه بسیار محدود است. بنابراین، لازم است به منظور تحقق توسعه روستایی و گسترش مشارکت روستاییان به خصوص زنان روستایی به توانمندی آنان پردازیم (یاسوری، ۱۳۹۰: ۴۵). بنابراین مشارکت زنان به عنوان نیمی از نیروی کار موجود در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه را نمی‌توان نادیده گرفت و تجهیز و توانمندسازی این منبع با ارزش انسانی امکان رسیدن به توسعه را آسان تر می‌کند (قنبری و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۳). بنابراین رسیدن به توسعه‌ای برابر و پایدار در جامعه بدون شناخت جایگاه زنان روستایی، امری دست نیافتنی خواهد بود و واقعیت این است که زنان می‌توانند رهبران آینده در عرصه سیاست محلی باشند، با این همه محدودیت‌های مختلفی مانند شیوه‌های تبعیض آمیز در کار، سطح پایین مهارت‌ها، باعث کاهش پتانسیل یک زن برای توانمندسازی می‌شوند. بنابراین تضمین تغییر مادی نسبت به ایجاد یک تغییر در ساختارهای قدرت و ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های همراه آن‌ها می‌تواند نسبتاً آسانتر باشد (Umashankar, 2006:V). در این راستا مقاله حاضر در صدد است، به بررسی نقش مدیران محلی در توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد مختلف (فردی، اجتماعی و اقتصادی) در بخش خشک‌بیجار شهرستان رشت پردازد و لذا با عنایت به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر می‌کوشد تا به سوال‌های اصلی زیر پاسخ دهد:

- آیا عملکرد مدیران محلی منجر به توانمندسازی زنان روستایی در ناحیه مورد مطالعه شده است؟
- آیا زنان روستایی ساکن در ناحیه مورد مطالعه از عملکرد شورای اسلامی و دهیاران در امور زنان رضایت دارند؟

۲- پیشینه پژوهش

میشراپاندا (۲۰۰۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان توانمندسازی زنان از طریق اقدامات (NGO) چارجوبی برای سنجش به این نتیجه رسیده است که برای درک درست فرآیند توانمندسازی، دید سیستم‌ها را که در آن همه عناصر به هم پیوسته مانند مؤسسه خارجی (NGO)، گروه هدف، برنامه توسعه، محیط‌های فوری گروه هدف و مؤسسه خارجی و محیط بزرگ که گروه هدف و (NGO) را که در آن قرار دارند را باید مورد تحلیل قرار داد (mishra panda, 2000:145). آماشان (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان توانمندسازی زنان: تأثیر مشارکت در گروه‌های خودیاری (نمونه‌ی مطالعه: در بخش نوات ایالت شمالی هاریانا) به بررسی ابعاد مختلف توانمندسازی، مادی، شناختی، ادراکی و رابطه‌ای می‌پردازد و به این نتیجه رسیده است که دسترسی به اعتبار می‌تواند به توسعه پایگاه مالی زنان و توسعه کسب و کارهای کوچک که اغلب همراه با دسترسی به بازار است کمک کند (Umashankar, 2006:V). شیخ خطیبی (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان توانمندسازی زنان از طریق گروه‌های خودیار: تجربه‌های (NGO) ایالت کارناتاکا، هند به بررسی رویکرد طرح دهم اجرای سیاست ملی برای توانمندسازی زنان از طریق استراتژی سه گانه توانمندسازی اقتصادی، اجتماعی و عدالت جنسی می‌پردازد و به این نتیجه رسیده‌اند که یک رابطه بین توانمندسازی زنان و مدیریت وجود دارند و زنان می‌توانند به عاملان ارتقای پایداری تبدیل شوند (shaikh khatibi, 2011:29). هیل (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی: نهادها، فرصت‌ها و مشارکت (نمونه موردی: غنا) به بررسی محدودیت‌ها و شیوه‌های خوب و نقاط ورودی بالقوه‌ای اشاره می‌کند که از آنها راه حل‌های بلند مدت را می‌توان انتخاب نمود و به این نتیجه رسیده‌اند که توانمندسازی زنان روستایی باید مورد توجه دولت‌ها، جامعه مدنی و دیگر ذینفعان مورد توجه قرار گیرد و روش‌هایی را برای تسهیل مشارکت و رهبری کامل زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری بیان نموده‌اند (hill, 2011:3). رادگیر (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان دسترسی زنان روستایی به علم و فناوری در حوزه مدیریت به این

نتیجه رسیده است که بسیاری از فن آوری‌های جدید و نوظهور برای توانمندسازی زنان پتانسیل خوبی را ایجاد می‌کند اما به خاطر سطح تحصیلات کمتر، دسترسی کمتر آن‌ها به اعتبار، فقدان اجاره داری زمین آن‌ها و دیگر شیوه‌های تبعیض آمیز، مردان اغلب نافعان فن آوری‌های جدید و بهبود یافته هستند و فقیرترین زنان به استفاده از فن آوری‌های سنتی کاربر ادامه می‌دهند و یا اصلاً از هیچ فن آوری استفاده نمی‌کنند (Rathgeber, 2011:1). راستابی و همکاران (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با موضوع توانمندی زنان برای مشارکت در توسعه، به این نتیجه رسیده‌اند که عواملی همچون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازارکار و حذف باورهای سنتی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان می‌باشند (راستابی و همکاران، ۱۳۸۲:۵). بدری و نعمتی (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ مطالعه موردی: استان گلستان به این نتیجه رسیده است که عوامل ساختاری، اجتماعی و اقتصادی رابطه تنگاتنگی با میزان موفقیت دهیاری در روستاهای کوچک دارد علاوه بر اینکه دهیاری در روستاهای پرجمعیت نیز به دلیل دریافت سرانه اعتباری بیشتر موفق تر از روستاهای کوچک عمل کرده است (بدری و نعمتی، ۱۳۸۶:۱۶۱). حسینی و رهنورد (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان به این نتایج دست یافتند که سطح توانمندی کارکنان زن در حد متوسط قرار دارد و مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در توانمندسازی عبارت است از: (۱) نگرش مدیریت؛ (۲) ساختارگروهی؛ (۳) ارزش‌های بین‌گروهی؛ و (۴) روابط اطلاعاتی (حسینی و رهنورد، ۱۳۸۷:۱۰۵). کریمی و جاجرمی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان چالش‌های اجتماعی شوراهای روستایی در مدیریت محلی نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش اجتماعی مدیران روستایی، سهم اندک زنان و مشارکت آنان در مدیریت روستایی علی‌رغم جمعیت قابل توجه آنان در ساختار جمعیت روستاها است (کریمی و جاجرمی، ۱۳۸۸:۸۹). سروش مهر و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی در شهرستان همدان به این نتیجه رسیده‌اند که مهم‌ترین مولفه‌های تأثیرگذار بر تسهیل توانمندسازی اقتصادی زنان، سه عامل مشارکت اقتصادی، انسجام خانوادگی و آگاهی اجتماعی است (سروش مهر و همکاران، ۱۳۸۹:۱۰۷). کیمیائی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان شیوه‌های توانمند سازی زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسیده‌اند که اجرای برنامه توانمندسازی نه تنها به اشتغال، افزایش سطح درآمد و کاهش وابستگی زنان سرپرست خانوار منتهی می‌شود بلکه توانایی آن‌ها در حوزه‌های روان شناختی را نیز به دنبال دارد (کیمیائی، ۱۳۹۰:۶۳). یاسوری (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان نقش سازمان‌های غیردولتی (NGO) در توانمندی زنان و جوانان روستایی (نمونه: روستای اردوغش) به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده مستمر از نیروی کار زنان همراه با مشارکت دادن آنان در عرصه تصمیم‌گیری و ایجاد زمینه برای مشارکت آنان در فعالیت‌های مختلف باعث بالا رفتن آگاهی و توانایی آنان در مسائل مربوط به خود و روستا است. از طرف دیگر عواملی نظیر: عدم اطلاع رسانی مناسب، مشکلات مالی، عدم پشتیبانی مناسب دستگاه‌های ذیربط و موانع فرهنگی و اجتماعی در کند شدن روند حرکت و پیشرفت برنامه‌های تشکل مذکور مؤثر بوده‌اند (یاسوری، ۱۳۹۰:۴۴). چرمچیان لنگرودی و علی بیگی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روان شناختی زنان روستایی (نمونه موردی: شهرستان ساری) به این نتیجه رسیده‌اند که توانمندسازی روان شناختی زنان روستایی شهرستان ساری به وسیله شش عامل میزان ارتباطات، میزان گرفتن وام از منابع گوناگون، میزان مفید بودن روش‌ها و رهیافت‌ها، موانع، راهکارها و تحصیلات می‌باشد (چرمچیان لنگرودی و علی بیگی، ۱۳۹۲:۱۶۵).

۳- مبانی نظری تحقیق

۳-۱- مدیریت محلی

رسیدن به توسعه و اداره آن ایجاب می‌کند که برای مشارکت مردم در توسعه و افزایش میزان مشارکت آن‌ها، نهادها و تشکل‌های خاصی، متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و اداری در هر جامعه به وجود آید. از مهمترین و اصلی‌ترین شیوه بهره‌گیری از مشارکت فعال و همه‌جانبه مردم در روند توسعه، سازمان‌های غیر دولتی می‌باشد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۴).

مدیریت روستایی از ارکان اصلی وجدانشدنی توسعه روستایی می‌باشد زیرا در نبود مدیریت سازماندهی شده در نواحی روستایی برنامه‌های توسعه نیز با مشکلات بی‌شماری مواجه خواهد شد وجود مدیریت واحد روستایی از سردرگمی روستاییان در امور روستا جلوگیری می‌کند به همین جهت تدبیر حکم می‌کند که متولیان امر توسعه روستایی توجه به نهادهای محلی را وجهه همت خویش قرار دهند (بدری، ۱۳۹۰: ۱۶۲). وجود مدیریت محلی برای برقراری امور و سازماندهی برنامه‌ها با چارچوب مشخص، که به بررسی و شناسایی مشکلات روستا و اتخاذ بهترین راه حل ممکن برای رفع آن‌ها بپردازد، ضروری می‌باشد (فال سلیمان و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۴). مدیریت روستایی در فرآیند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد.

مدیریت روستایی در واقع فرآیند سازمان دهی و هدایت جامعه محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان و نهادهاست. این سازمان‌ها و نهادها، ابزار یا وسایل تأمین نهادها و هدف‌های جامعه روستایی هستند، هدف‌هایی که مردم آن‌ها را ترسیم می‌کنند و می‌پذیرند. همچنین مدیریت توسعه روستایی فرآیند چند جانبه‌ای است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرآیند با مشارکت مردم و از طرق تشکیلات و سازمان‌های روستایی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا می‌گردد و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۱۱). از این رو در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، رویکرد تمرکززدایی از وظایف دستگاه‌های دولتی به عنوان یکی از رویکردهایی است که در عرصه جهانی تجربه شده است. بطوریکه در تدوین برنامه سوم توسعه کشور، ضمن آگاهی از مضرات تمرکز تصدی‌های غیر ضرور در بدنه دولت، در چندین ماده قانونی تلاش گردید تا زمینه واگذاری برخی از وظایف اجرایی دستگاه‌های دولتی به نهادهای عمومی غیر دولتی و محلی فراهم گردد. در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی، بند ۲ ماده ۱۳۷ قانون برنامه سوم به این امر توجه شده و در سایر قوانین نیز پشتوانه‌های مالی تفویض و واگذاری اموری که جنبه محلی دارند از دستگاه‌های دولتی به سازمان‌ها و نهادهای محلی (شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) پیش‌بینی شده است (حسنوند، ۱۳۹۰: ۱۴۱). در این میان می‌توان به مدیریت محلی روستایی که متشکل از شورای اسلامی و دهیار است اشاره نمود. شوراهای اسلامی روستا، نهادی است که اعضای آن بر اساس قانون با رای مستقیم مردم برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند. این نهاد وظیفه‌ی مدیریت روستایی را برعهده داشته و بر کلیه امور عمومی روستا نظارت عام دارد و از جمله وظایف آن: بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی و ارائه راه حل به مقامات مسئول، برنامه‌ریزی و اقدام در جهت مشارکت مردم در همه مراحل و برنامه‌های توسعه و نظارت بر اقدامات دولت در روستا و غیره. اما دهیاری‌ها، به عنوان تشکیلات اجرایی روستا از سال ۱۳۷۷ با تصویب قانون تشکیل سازمان دهیاری‌های خودکفا آغاز به کار کردند که می‌توان به برخی از وظایف دهیاری از جمله: اجرای تمام مصوبات شورای اسلامی، شناسایی زمینه‌های اشتغال، تشویق و ترغیب روستاییان به توسعه صنایع دستی و اهتمام به ترویج، توسعه و بازاریابی محصولات کشاورزی و دامی در روستا، مراقبت در اجرای قوانین بهداشتی و حفظ نظافت و ایجاد زمینه‌ی مناسب برای تأمین بهداشت محیط و... اشاره کرد (ملکان و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۵).

۲-۳- توانمندسازی و زنان روستایی

امروزه اغلب کشورها برای دست یابی به توسعه پایدار، "توانمندسازی" را کارآمدترین روش یافته‌اند (کیمیائی، ۱۳۹۰: ۶۳). بنابراین توانمندسازی در عرصه توسعه روستایی، یک انتخاب راهبردی است که می‌تواند گذار موفقیت آمیز توسعه روستایی را به ارمغان آورد (حیدری‌ساریان و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). تعاریف و تفسیرهای متفاوتی از توانمندسازی ارائه شده که بسیاری از آن‌ها با یکدیگر مشابه‌اند. توانمندسازی معادل لاتین Empowerment، به معنای کسب قدرت یا واگذاری انجام کاری خاص به منظور دستیابی به هدف مشخصی است. عده‌ای توانمندسازی را نوعی استراتژی مدیریتی برای تسهیم قدرت تصمیم‌گیری می‌دانند (شاطریان و گنجی‌پور، ۱۳۸۹: ۳۱۶). بنابراین توانمندسازی عبارت است از؛ کسب قابلیت‌هایی که طی آن فرد و جامعه توانایی کنترل یا تأثیرگذاری بر نیروهای تعیین‌کننده خود را بدست می‌آورند (دارابی، ۱۳۸۴: ۱۵). در کشورهای در حال توسعه افزایش توانمندسازی زنان روستایی کاتالیزوری برای توسعه است، چیزی که به رشد اقتصادی یک کشور کمک می‌کند علاوه بر توسعه اقتصادی - اجتماعی زنان، کل جمعیت را ارتقاء می‌دهد و به کاهش فقر کمک می‌کند (Ajani, onwubuya and mgbenka 2013: 37). توانمندسازی ناشی از انگیزه ذاتی و درونی برای انجام وظایف و کارها، قدرت سازگاری با محیط و شغل و احساس شایستگی در انجام وظایف است (قیصری و همکاران، ۱۳۹۱: ۴). در برنامه‌های جدید توسعه روستایی، توانمندسازی به معنای آگاهی و ایجاد ظرفیت‌ها و فرصت‌ها و مشارکت، ارتقاء گفتگو و نهادها به روش‌هایی که زنان و مردان منافعشان بطور برابر باشد و دولت‌ها، جامعه مدنی و دیگر ذی‌نفعان توانمندسازی زنان باید درک عمیقتری از روش‌های معیشتی، قابلیت‌ها و فعالیت‌های موردنیاز برای یک زندگی با دیدگاه بهبود معیشتی را مورد توجه قرار دهند (سازمان ملل، ۲۰۱۰). توانمندسازی زنان شامل دسترسی به تحصیل با کیفیت، سازماندهی برنامه‌های آموزشی، متنوع سازی محصول و استفاده از اجاق گازهای پخت و پز کارآمد از لحاظ انرژی است (Ajani, onwubuya and mgbenka, 2013: 38). توانمندسازی زنان در توسعه طرح‌ها و سیاست‌ها در صدر می‌باشد (Mishra Panda, 2000: 1). چرا که امروزه نیمی از جمعیت روستاها را زنان تشکیل می‌دهند. با این همه هنوز زنان روستایی جایگاه خود را در ایران و همچنین بیشتر کشورهای جهان به ویژه در حال توسعه به عنوان افراد فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست نیاورده‌اند (انوری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸). و اگرچه به نقش زنان روستایی در توسعه روستایی تأکید شده است اما شرکت زنان در برنامه‌های آموزش و توسعه محدود است همین امر باعث کاهش پتانسیل یک زن برای توانمندسازی می‌شود (Umashankar, 2006: ۷). در کشورهای در حال توسعه کشاورزی در مرکز اقتصاد ملی قرار دارد و زنان نقش اصلی را در تولید غذا به عهده دارند بنابراین نقش آن‌ها در تولیدات کشاورزی و فرآوری به رشد اقتصادی و کاهش فقر می‌پردازد. زنان اغلب به صورت کارگر خانواده و حقوق بگیر محسوب می‌شود و کنترلی بر اغلب موارد و دیگر فرصت‌ها ندارند و نقش آن‌ها در توسعه کشاورزی و توسعه اقتصادی و اجتماعی محدود می‌ماند (Martini, 2011: 1). اگرچه زنان نقش قابل توجهی در اقتصاد خانواده خود دارند اما هنوز مردان مدیریت خانواده و مالکیت دارایی‌ها را بر عهده دارند (Uniyal, 2006: 8). بنابراین با توجه به نقش و اهمیت جایگاه زنان در توسعه، توانمندسازی آنان به عنوان رویکرد و راهبردی نوین مد نظر قرار گرفته است و توانمندسازی زنان به این معنی است که کردار و گفتارشان حاکی از اعتماد به نفس و اطمینان خاطر باشد، قادر به ارزیابی صحیح و شناخت واقعی خویشتن باشند، به استعدادهای خویش آگاه باشند، قدرت رویارویی با دشواری‌ها را داشته باشند و در رفع آن‌ها بکوشند، اهداف خود را بشناسند و با افزایش توانمندی خویش به اهداف مورد نظر دست یابند (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۹).

سازمان ملل متحد و سازمان غذا و کشاورزی (FAO) در سال ۲۰۱۲ در بحث توانمندسازی زنان و نقش آنان در ریشه کن کردن فقر و گرسنگی را به عنوان پیشرفت و چالش‌های فعلی پرداختند. و برای میسر ساختن توانمندسازی زنان روستایی به عواملی چون: ایجاد نهادها و فرصت‌های مشارکت، حق تصمیم‌گیری، ارتقاء نهادهای اجتماعی و گفتگو، برابری منافع زنان و مردان، حمایت و تقویت بنگاه‌های اقتصادی، تقویت و توسعه اجتماعی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی تأکید می‌کند و عقیده دارد برای توانمندسازی زنان باید پنج مرحله زیر را طی کرد از جمله:

- ایجاد رفاه نسبی: در این مرحله، رفاه مادی زنان مانند تغذیه، کاربرتر، کاهش فقر، و کاهش شیوه‌های تبعیض آمیز مد نظر قرار می‌گیرد.

- دسترسی به منابع: تغییر موقعیت زنان از باروری به مولد، زنان باید به عوامل تولید مانند سرمایه و برنامه‌های آموزشی مهارت‌زا که استخدام و تولید را ممکن می‌سازد دسترسی داشته باشند.

- آگاهی: در مرحله آگاهی، زنان باید تشخیص دهند که مشکلات آن‌ها ناشی از کمبودهای شخصی‌شان نیست بلکه نشات گرفته از شکاف‌های جنسیتی مربوط به ملت‌ها است و به همین دلیل قابل تغییر است. آگاهی در این مفهوم به معنی باور داشتن به برابری است.

- مشارکت: در مرحله مشارکت، زنان در تمام برنامه‌های مربوط به خود و جامعه شرکت کنند و مشارکت آن‌ها باید با شمار آن‌ها در جامعه متناسب باشد.

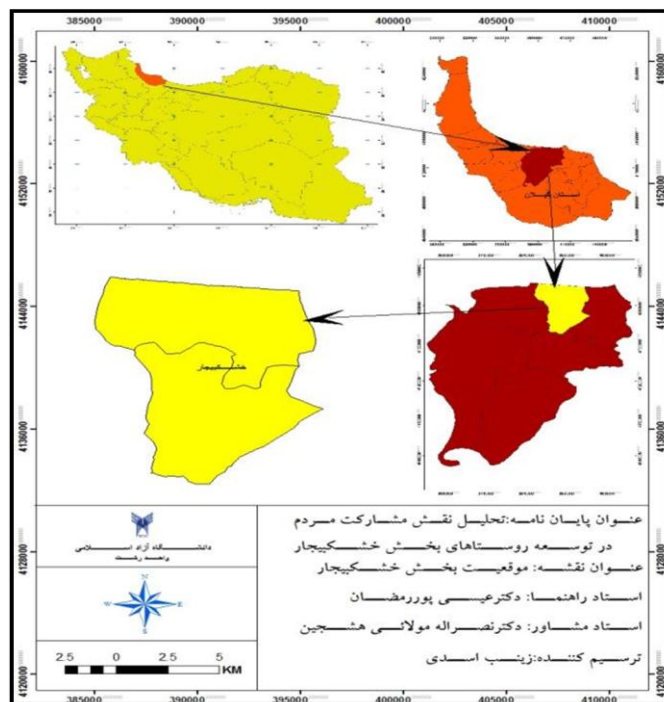
- کنترل: در این مرحله، کنترل به معنی ارتقاء برابری جنسیتی، برابری منافع زنان و مردان (hill, 2011:4).

۴- روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و مبنای روش پژوهش آن توصیفی - تحلیلی است که به منظور گردآوری داده و اطلاعات از روش‌های اسنادی (کتابخانه‌ای) و میدانی استفاده شده است. بدین ترتیب که تبیین موضوع، مبانی نظری و مفهومی، پیشینه تحقیق و محدوده مورد مطالعه از طریق روش اسنادی و جهت تعیین نقش مدیریت محلی در توانمندسازی زنان روستایی از روش میدانی و پیمایشی استفاده شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق مشتمل بر زنان در بخش خشک‌بیجار شهرستان رشت می‌باشد. نمونه آماری این تحقیق شامل ۳۸۴ نفر از زنان روستایی می‌باشند که نمونه‌ها از طریق فرمول کوکران تعیین شده است. نحوه دسترسی به نمونه‌ها بصورت تصادفی ساده و سیستماتیک بوده است و بعد از جمع‌آوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آنها در محیط SPSS با استفاده از روش‌های آماری همبستگی (اسپیرمن، کندال، فای/کرامر) و مک نمار استفاده شده است.

۵- محدوده مورد مطالعه

بخش خشک‌بیجار با ۹۵ کیلومتر مربع مساحت در شمال شرقی شهرستان رشت واقع شده است. از نظر مختصات جغرافیایی بخش خشک‌بیجار بین ۴۹ درجه ۴۶ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است این محدوده در سال ۱۳۹۰ دارای ۲۰۱۱۶ نفر جمعیت، دو دهستان به نام‌های: حاجی بکنده و نوشر و ۳۷ روستا بوده است.



شکل ۱. جایگاه محدوده مورد مطالعه در تقسیمات کشوری

۶- یافته‌های تحقیق

۶-۱- یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های توصیفی، از کل نمونه آماری زنان بخش خشکیچار بیشترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی ۴۰-۶۰ سال معادل ۵۵ درصد و کمترین فراوانی سنی مربوط به گروه سنی کمتر از ۲۰ سال معادل ۱۹ درصد است. از نظر تحصیلات، بیشترین فراوانی سطح تحصیلات مربوط به تحصیلات زیر دیپلم معادل ۵۶ درصد و کمترین فراوانی مربوط به زنانی است که دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر هستند. همچنین بیشترین فراوانی فعالیت اقتصادی زنان روستایی مربوط به فعالیت زراعی معادل ۵۸ درصد و کمترین فراوانی مربوط به فعالیت‌های خدماتی معادل ۱۵.۲ درصد است.

۶-۲- یافته‌های استنباطی

به منظور سنجش رابطه بین عملکرد مدیران محلی و توانمندسازی زنان روستایی در بخش خشکیچار شهرستان رشت از آزمون همبستگی اسپیرمن در ابعاد، اقتصادی، اجتماعی و فردی استفاده گردیده است. همانطور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، برای شاخص‌ها رابطه‌ی معناداری در سطح ۹۵ درصد و ۹۹ درصد بدست آمده است. در واقع ارتباط بسیار قوی بین عملکرد مدیران محلی در همه ابعاد با میزان توانمندسازی زنان روستایی ناحیه مورد مطالعه وجود دارد. بطوریکه در بعد اقتصادی ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان با میانگین (۳.۰۰۹)، در بعد اجتماعی تشویق زنان به فعالیت و مشارکت‌های اجتماعی با میانگین (۲.۹۳) و همچنین در بعد فردی توجه به تقویت روحیه خلاقیت در زنان با میانگین (۱.۵۶) از سوی مدیران محلی روستا بیشترین تأثیر را در توانمندسازی زنان به همراه داشته است.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

جدول ۱. بررسی میزان رابطه بین عملکرد دهیاران و توانمندسازی زنان روستایی با استفاده از تحلیل همبستگی اسپیرمن

ابعاد	شاخص‌ها	میانگین رتبه‌ای	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اقتصادی	ایجاد فرصت شغلی مناسب برای زنان	۳.۰۰۹	۰.۲۳۵	۰.۰۰۰**
	تامین سرمایه و مواد تولیدی زنان	۲.۸۹	۰.۰۱۸	۰.۰۰۰۴*
	فروش محصولات تولیدی زنان	۲.۱۱	۰.۱۵۷	۰.۰۰۰۷*
اجتماعی	تقویت تعاونی و تشکل های زنان	۲.۴۴	۰.۲۳۸	۰.۰۰۰**
	تشویق زنان به فعالیت و مشارکت های اجتماعی	۲.۹۳	۰.۱۹۳	۰.۰۰۰**
	برگزاری کلاس های آموزشی - مهارتی زنان	۲.۶۷	۰.۳۶۳	۰.۰۰۰**
فردی	تقویت خودباوری زنان روستایی	۱.۴۴	۰.۱۶۷	۰.۰۰۰۹*
	تشویق زنان به ارتقاء تحصیلات	۱.۳۴	۰.۱۴۴	۰.۰۰۰**
	توجه به مهارت های زنان	۱.۲۱	۰.۳۰۵	۰.۰۰۰۵*
	تقویت روحیه خلاقیت در زنان	۱.۵۶	۰.۳۹۴	۰.۰۰۰**

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ * معناداری در سطح ۹۵ درصد ** معناداری در سطح ۹۹ درصد

براساس جدول (۲) برای بررسی رابطه بین دو متغیر عملکرد مدیران محلی در حوزه توانمندسازی زنان روستایی و رضایت زنان در قالب فرضیه دوم از آزمون کندال استفاده شده است. به طوریکه مشخص گردید که سطح معناداری براساس این آزمون برابر ۰.۰۱ می‌باشد. که بیانگر وجود رابطه معنادار تا سطح ۹۵ درصد بین این دو متغیر می‌باشد و این نشان از این دارد، در صورتی که مدیران محلی در امور مربوط به توانمندی زنان عملکرد مطلوب و همراه با برنامه‌ریزی را داشته باشند و دنبال کنند، به همان میزان رضایت زنان روستایی از مدیران و عملکرد آنها افزایش می‌یابد.

جدول ۲. بررسی میزان رابطه بین عملکرد مدیران محلی در امور زنان با رضایت زنان روستایی با استفاده از تحلیل همبستگی کندال

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب کندال	سطح معناداری
عملکرد مدیران محلی	رضایت زنان	۰.۳۰۸	۰.۰۰۱*

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ * معناداری در سطح ۹۵ درصد

براساس جدول (۳) به منظور سنجش رابطه بین توانمندسازی زنان و توسعه پایدار روستایی از آزمون فای/کرامر استفاده گردیده است. نتایج به دست آمده نشانگر این است که رابطه‌ای قوی بین این دو متغیر وجود دارد به گونه‌ای که توانمندسازی زنان تا سطح ۹۹ درصد بر توسعه پایدار روستایی تأثیر گذار می‌باشد.

جدول ۳. بررسی میزان رابطه بین توانمندسازی زنان روستایی با توسعه روستایی با استفاده از آماره فای/کرامر

متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضریب فای	سطح معناداری
توانمندسازی زنان	توسعه پایدار روستایی	۰.۵۴۱	۰.۰۰۰**

ماخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳ ** معناداری در سطح ۹۹ درصد

برای سنجش رابطه بین توانمندسازی زنان دربخش خشکی‌بجارد در قبل و بعد از تاسیس دهیاری‌ها از آزمون مک‌نمار استفاده گردیده است. با توجه به نتایج به دست آمده از جدول (۴)، ۳۰ نفر موافق و ۹۶ نفر مخالف، توانمندسازی زنان در قبل

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

از تاسیس دهیاری بوده‌اند و همچنین ۲۰۵ نفر موافق و ۵۳ نفر مخالف توانمندسازی زنان در بعد از تاسیس دهیاری‌ها در این بخش می‌باشند. در واقع نتایج حاصل از آزمون مک نمار نشان می‌دهد رابطه معناداری تا سطح ۹۵ درصد بین توانمندسازی زنان در ناحیه مورد مطالعه در قبل و بعد از تاسیس دهیاری‌های وجود دارد. به این معنا که توجه به توانمندسازی زنان در قبل از وجود دهیار در روستا چندان در برنامه‌های توسعه پایدار روستایی جایی نداشته و کم اهمیت تلقی می‌شده است اما با تاسیس دهیاری‌ها در روستا، به تدریج توجه به نقش زنان و فعالیت‌های اقتصادی ارزشمند و در خور توجه آنان در روستا شکل گرفت و به تبع آن زمینه‌های توانمندسازی آنان را در ابعاد مختلف فراهم کردند.

جدول ۴. بررسی توانمندسازی زنان در قبل و بعد از تاسیس دهیاری‌ها

مؤلفه	مخالف		مخالف	مخالف
	مخالف	مخالف		
توانمندسازی زنان روستایی قبل از تاسیس دهیاری	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف
	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف
توانمندسازی زنان روستایی بعد از تاسیس دهیاری	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف
	مخالف	مخالف	مخالف	مخالف

** معناداری تا سطح ۹۵ درصد

مأخذ، یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۳

۵- نتیجه‌گیری

توانمندسازی زنان، یکی از اهداف توسعه هزاره سوم سازمان ملل در نیویورک در سال ۲۰۰۰ به شمار می‌آید که در جریان توانمندسازی آنان دخالت عوامل و عناصر مختلفی از جمله: عوامل تضمین پایداری، اجتماعی، اقتصادی، دسترسی زنان به علم و فن آوری و ارتقاء جنسی را می‌توان نام برد. لذا در این تحقیق به بررسی نقش مدیران محلی به عنوان یکی از عوامل نهادی در توانمندسازی زنان روستایی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فردی پرداخته شده است. نتایج حاصل از آزمون های آماری نشان می‌دهد که بین عملکرد مدیران محلی و توانمندسازی زنان روستایی و همچنین بین عملکرد آنان و رضایت زنان رابطه معناداری تا سطح ۹۹ و ۹۵ درصد وجود دارد. به گونه‌ای که مدیران محلی روستا از یک سو توانسته‌اند بیشترین تأثیر را در بعد اقتصادی با ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب، در بعد اجتماعی تشویق زنان به فعالیت و مشارکت های اجتماعی و توجه به تقویت روحیه خلاقیت در زنان در بعد فردی در توانمندسازی داشته باشند. از سویی دیگر می‌توانند با بهبود عملکرد خود در حوزه توانمندسازی زنان به همان میزان رضایت زنان را افزایش دهند. بر این اساس می‌توان اذعان داشت که فرضیه H_1 مبنی بر ارتباط بین عملکرد مدیران محلی با توانمندسازی و میزان رضایت زنان روستایی تأیید می‌گردد. علاوه بر آن رابطه بین توانمندسازی زنان و توسعه روستایی تأیید و نشان می‌دهد رابطه معنادار ۹۵ و ۹۹ درصدی بین آنها وجود دارد به نوعی که توانمندسازی زنان به عنوان متغیر مستقل در توسعه روستایی ناحیه مورد مطالعه نقش بسزایی داشته است. همچنین تفاوت معنادار در توانمندسازی زنان در قبل و بعد از تاسیس دهیاری‌ها با سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود و نشان می‌دهد که در قبل از تاسیس دهیاری به مقوله توانمندسازی زنان توجه زیادی نشده است اما با تاسیس دهیاری‌ها و گذشت بیش از ۱۰ سال فعالیت در روستا و آشنایی با نقش مهم زنان روستایی در همه زمینه‌های توسعه روستایی اعم از اقتصادی، اجتماعی و محیطی و غیره توجه به توانمندسازی آنان مدنظر مدیران قرار گرفت.

براساس نتایج بدست آمده از یافته‌های پژوهش، راهکارهای کاربردی برای بهبود و افزایش اقدامات مدیران محلی در زمینه توانمندسازی زنان روستایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

- تشویق و ایجاد نهادها و سازمانهای غیر دولتی (NGO) به منظور توانمندسازی زنان از طریق (SHG)؛
- راه اندازی کارگاههای آموزشی- مهارتی و ارتقاء گفتگو و نهادهای اجتماعی برای زنان به منظور توانمندسازی آنان در تعاملات و ارتباطات اجتماعی درون و بیرون از روستا؛
- ایجاد فرصتهایی برای تسهیل مشارکت و رهبری کامل زنان در فرآیندهای تصمیم گیری؛
- توجه به مهارت‌های شخصی زنان روستایی و حمایت از این مهارت‌ها به منظور تقویت روحیه خودباوری و استقلال و اتکاء به خود، استحقاق، کاهش فقر؛
- دسترسی به اعتبار و توسعه پایگاه مالی زنان در بخشنامه و دستورالعمل بودجه دهیاری‌ها در راستای توانمندسازی زنان روستایی؛
- اصلاح قوانین و مقررات مربوط به عدم دسترسی زنان روستایی به منابع سرمایه‌ای؛
- افزایش دسترسی زنان روستایی به علم و فن آوری و خدمات آموزشی و استفاده از دانش نظری و عملی گسترده زنان به منظور متنوع سازی فعالیت‌های تولیدی و درآمدزا غیر از مزرعه با استفاده از مدیریت؛

مراجع

۱. انوری، سمیرا، حسینی، ۱۳۹۱، توانمندسازی زنان روستایی در مدیریت ضایعات کشاورزی، خانگی و تولید ورمی کمپوست، شماره ۱۰۷.
۲. ایمانی جاجرمی، حسین و کریمی، علیرضا، ۱۳۸۸، چالش‌های اجتماعی شوراها روستایی در مدیریت محلی، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱.
۳. بدری، سید علی، اکبریان رونیزی، سعیدرضا و قصابی، محمد جواد، ۱۳۹۲، نقش مدیریت محلی در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: شهرستان آران و بیدگل)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۴، شماره ۱.
۴. بریمانی، فرامرز و نیک منش، زهرا، ۱۳۹۱، بررسی نقش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان روستایی (نمونه موردی: دهستان لکستان شهرستان سلماس)، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یکم، شماره ۱.
۵. بدری، سید علی و نعمتی، مرتضی، ۱۳۸۶، ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی مقایسه تطبیقی دهیاری‌های فعال در روستاهای کوچک و بزرگ (مطالعه موردی: استان گلستان)، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۹.
۶. بدری، سید علی، ۱۳۹۰، چالش‌های مدیریت روستایی در ایران و آرایه سیاست‌های راهبردی، فصل‌نامه سیاست‌گذاری، سال ۲، شماره ۲.
۷. چرمچیان لنگرودی، مهدی و علی بیگی، امیر حسین، ۱۳۹۲، بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی روان شناختی زنان روستایی، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال ۴، شماره ۱.
۸. حیدری ساربان، وکیل، یاری حصار، ارسطو و طالعی حور، وحید، ۱۳۹۳، سومین همایش توسعه پایدار روستایی همدان.
۹. حسوند، احسان و حسوند، اسماعیل، ۱۳۹۰، تجربه دهیاری‌ها، موانع توفیق و کارکردهای آنها (مطالعه موردی دهیاری‌های شهرستان سلسله در استان لرستان)، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۲.
۱۰. حسینی، نسرين و رهنورد، ۱۳۸۷، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان، فصلنامه پژوهش‌های زنان، دوره ۶، شماره ۱.
۱۱. دارابی، حسن، ۱۳۸۴، تبیین پیامدهای فضایی فعالیت‌های عمرانی در پرتو مشارکت مردمی مورد سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. شیخی، حجت، پریزادی، طاهر و ورمزیار، بیژن، ۱۳۹۲، بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان) مجله علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی (جغرافیا)، سال ۳، شماره ۳.

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

۱۳. شاطریان، محسن و گنجی پور، ۱۳۸۹، تاثیرات سرمایه گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای بخش ابوزید آباد- شهرستان کاشان)، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، دوره ۱، شماره ۳.
۱۴. فال سلیمان، محمود، صادقی، حجت الله و مرادی، محمود، ۱۳۹۱، بررسی وارزیابی عملکرد دهیاران در فرآیند مدیریت و توسعه روستایی، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۱.
۱۵. قنبری، یوسف، حجاریان، احمد و انصاری، رحیمه، ۱۳۹۱، شناسایی عوامل وموانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان فریدونشهر)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۲.
۱۶. قیصری، حمیده، شاه ولی، منصور و رضایی مقدم، کوروش، ۱۳۹۱، بررسی توانمندی روان شناختی اعضای تعاونی‌های تولید روستایی استان فارس، پژوهش‌های روستایی، سال سوم، شماره ۲.
۱۷. کیمیائی، علی، ۱۳۹۰، شیوه‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
۱۸. کلاتری، خلیل، شعبانعلی قمی، حسین و سروش مهر، هما، ۱۳۸۹، بررسی عوامل تسهیل کننده و بازدارنده توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی (مطالعه موردی: شهرستان همدان). مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۲.
۱۹. ملکان، کریمی، ۱۳۹۱، بررسی مدیریت روستایی در ایران با تأکید بر نقش شورا و دهیاری، مجله پژوهشی، آموزشی و ترویجی دهیاری‌ها. شماره ۳۵.
۲۰. هاشمی، سعید، مطیعی لنگرودی، سید حسن، قدیری معصوم، مجتبی، رضوانی، محمد رضا و معقیمی، سید محمد، ۱۳۹۰، تبیین نقش دهیاری‌ها و شورای اسلامی در توسعه کارآفرینی روستایی (مطالعه موردی: بهاباد استان یزد)، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۱.
۲۱. یاسوری، مجید، ۱۳۹۰، نقش سازمان‌های غیر دولتی (NGO) در توانمندسازی زنان وجوانان روستایی (نمونه: روستای اردوغش)، مجله چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۷.
22. Ajani, E.N., Onwubuya, E.A. and R.N. Mgbenka., 2013, **Approaches to economic empowerment of rural women for climate change mitigation and adaptation implications for policy**, Nigeria, Vol.1, pp37-42.
23. Hill, Catherine, 2011, **Enabling Rural Womens Economic Empowerment: Institutions, opportunities, and participation**, Ghana, Vol.1, pp20-23.
24. Martini, 2011, **Empowering Women in the Rural Labor Force With a Focus on Agricultural Employment in the Middle East and North Africa**, Vol.9, pp1-19.
25. Mishra panda, Smita, 2000, **Womens Empowerment Through NGO intervention: A frame work for Assessment**, India, No.60, p145.
26. Shaikh khatibi and M. Indira, 2011, **Empowerment of Women through self help Groups and environmental management: Experiences of NGOs in karnataka state**, India, Vol.34(1), pp29-40.
27. Rathgeber, M., 2011, **Rural Womens Access to Science and Technology in the context of Natural Resource Management**, Ghana, ottawa, No.6.
28. Umashankar, Deepti., 2006, **Womens Empowerment: Effect of participation in self help Groups**, No. Vi, p1-6.